

استادی به خاطر ماندنی

ریحانه خاتون ♦

ترجمه: گلزار احمد*

سید امیر حسن عابدی در سال ۱۹۲۱ م در شهر غازی پور ایالت اترپرادیش هند دیده به جهان گشود. پدر وی سید بشیر حسن نام داشت. تعلیمات ابتدایی را در مدرسه‌ای در چند کیلومتری خانه خود حاصل نمود. وی اکثراً بیان می‌نمود که من به‌همین راحتی درس نخوانده‌ام بلکه مشکلات زیادی را تحمل نموده‌ام. بعضی وقتها با شکم گرسنه به مدرسه می‌رفتم. وی هر روز پیاده به مدرسه می‌رفت و پیاده برمی‌گشت. به‌جای غذا مقداری نخودچی در جیب داشت که بین راه می‌خورد و در آن زمان مثل امروز از ظرف غذا، صبحانه و پول توجیبی خبری نبود.

وی سپس در شهر بنارس، کالج لکهنو و سنت جان کالج آگره به تحصیل پرداخت. در سال ۱۹۵۷ م در ایران به تحصیل زبان‌های اوستایی، پهلوی و فارسی کلاسیک و مدرن پرداخت. سپس وی در کالج سنت استفن دانشگاه دهلی به تدریس مشغول شد. در این کالج وی شمع زبان فارسی را بر افروخت و تا امروز از روشنایی آن دانشجویان بهره می‌برند. بعد از تأسیس بخش عربی، اردو و فارسی در دانشگاه دهلی وی به‌عنوان استاد زبان فارسی به‌فعالیت در این بخش پرداخت. به‌عبارت دیگر باید وی را بنیانگذار بخش فارسی دانشگاه دهلی دانست. وی به‌تمام کشورهای فارسی زبان مثل پاکستان،

♦ رئیس بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

* پژوهشگر زبان فارسی.

تاجیکستان، افغانستان، ایران، بنگلادش، ترکیه و... سفر نمود. ازین رو به ندرت می‌توان کسی را یافت که نام استاد عابدی را نشنیده باشد.

استاد عابدی به زبانهای فارسی کلاسیک و مدرن، اردو، انگلیسی، عربی، هندی، اوستایی، پهلوی، سانسکریت و فارسی قدیم آشنایی داشت. وی از ادیبان برجسته و محققان به نام هند بود که تقریباً هشتاد سال از عمر خود را در ترویج و ترقی زبان و ادبیات فارسی سپری نمود. اطلاعات وی دقیق و وسیع بود و تحقیقات وی عموماً پیرامون موضوعات نادر و کمیاب بود. وی به موضوعات ناشناخته علاقه داشت. او سعی می‌کرد اشخاص گمنام و مخصوصاً اشعار شاعران ناشناخته را به جامعه ادبی و پژوهشگران معرفی نماید. در این موضوعات وی خدمات بسزایی انجام داده که برای پژوهشگران نسل‌های آینده سرمشق خوبی خواهد بود.

استاد عابدی خیلی به سفر علاقه داشت و همیشه به سفرهای علمی یا غیرعلمی می‌رفت تا بتواند هرچه بیشتر در مورد این سرزمین‌ها بداند. وی برای شرکت در سمینارها و کنفرانس‌ها به کشورهای ترکیه، ازبکستان، تاجیکستان، پاکستان، بنگلادش و شهرهای مختلف ایران و بیشتر شهرهای هند و حتی شهرهای کوچک سفر نمود، از کتابخانه‌های آنجا دیدن کرد و با استادان مشهور ملاقات نمود.

وی در بیان شجره‌نامه مهارت خاصی داشت. شجره‌نامه خانواده خود یا خانواده‌های مشهور دیگر را به روانی بیان می‌نمود. ما می‌خواستیم این گفتگوها را یادداشت کنیم تا آیندگان بتوانند از آنها استفاده نمایند ولی فرصت پیش نیامد و ما ذخیره عظیمی از اطلاعات را از دست دادیم.

وی استادی رئوف و مهربان بود و رفتارش این قول حافظ را به یاد می‌آورد که:

با دوستان مروّت با دشمنان مدارا

یعنی نه صرفاً با دوستان مهربان بود بلکه به دشمنان نیز به دیده لطف می‌نگریست. وی به قدری مهربان بود که ما دانشجویان زبان فارسی از وی هراسی به دل راه نمی‌دادیم و همیشه مشکلات خود را با وی در میان می‌گذاشتیم. این شهرت و عظمت وی را دچار غرور و تکبر ننموده بود. در مسیر راه به‌ویژه در دانشگاه اگر آشنایی را می‌دید بدون لحاظ این‌که طرف مقابل از نظر سن یا مقام از او کمتر است دست به‌شانه‌اش

می گذاشت و به احوال پرسى می پرداخت. هنگامی که پای صحبت وی می نشستید نمی توانستید تشخیص دهید که وی همان عابدی معروف است.

وی همیشه می گفت که من در زندگی به جمع آوری ثروت ظاهری نپرداختم بلکه ثروت من شاگردان من هستند. این ثروتی است که کسی نمی تواند آن را بدزد.

اگر دانشجویی یا استادی مثل من مقاله ای می نوشت و به وی نشان می داد، وی همیشه او را تشویق می کرد و از او تعریف می کرد تا بهتر بتواند به تحقیق و پژوهش بپردازد. من شخصاً هیچ وقت ندیدم که وی عصبانی شود.

وی تا آخرین لحظات عمر به مطالعه پرداخت. وی در سال ۱۹۸۶ م بازنشسته شد. ولی بعد از آن نیز هر هفته مرتب به کتابخانه می آمد. بعد از بازنشستگی نیز وی به عنوان استاد ممتاز به فعالیت پرداخت. وی هفته ای دو بار به خانه فرهنگ ایران می آمد و بعدها تا زمانی که توان جسمی داشت به آنجا رفت و آمد می کرد.

وی فطرتاً کنجکاو بود و اگر در معنی واژه ای شک می کرد به جستجوی معنی، موارد استعمال و مشتقات آن واژه می پرداخت، از استادان دیگر یا دانشجویان در این مورد سؤال می کرد. اگر آنها نمی دانستند به آنها توصیه می کرد که معنی آن را پیدا کنند.

کسی مجله ای به نام سهند برای بخش فارسی فرستاد. استاد عابدی از معنی سهند پرسید ولی کسی معنی آن را نمی دانست. به همه تأکید کرد که معنی آن را پیدا کنند و به او خبر دهند. بعدها که معنی آن را دریافت نمود برای دیگران نیز بیان کرد که سهند نام کوهی در ایران است.

وی بیش از هیجده تصحیح، ترجمه و تألیف انجام داده است. این کتابها در هند و بیرون هند توسط مؤسسات مختلفی چاپ شده است. علاوه بر این صدها مقاله به زبانهای اردو، فارسی و انگلیسی در مجلاتی مثل راهنمای کتاب، سخن، یغما، خرد و کوشش، مجله ادبیات دانشگاه تهران، نامه انجمن، ایران شناسی، کیهان فرهنگی (ایران)، مجله آریانا (افغانستان)، مجله دانش (پاکستان)، در هند در مجله ایندو ایرانیکا، اسلامیک کلچر، مجله علوم اسلامی، فکر و نظر، منادی، آهنگ، بیاض، معارف، معاصر، شیرازه، جامعه، غالب نامه، مجله قند پارسی و مجلات معتبر دیگر چاپ کرده است که برای فارسی آموزانی مثل ما مشعل راه است.

ویژگی دیگر استاد عابدی این بود که وی سعی می‌کرد مقالات چاپ شده و کتابهای خود را به دست دیگران برساند. حتی وی کتاب‌ها و مقالات ما را با خود به سفرهای خارجی می‌برد تا به دیگران بدهد. یعنی وی می‌خواست علم و دانش نزد فرد خاصی محدود نباشد و همه از آن بهره ببرند. دانشجویان بسیاری از استادان امروز، تحت نظارت وی رساله دکتری نوشته‌اند و اکنون در دانشگاه‌های مختلف مشغول فعالیت هستند.

بعضی از سخنرانی‌های استاد در دانشگاه‌ها و سمینارهای مختلف زیر انجام شده است:

۱. دانشگاه کابل، ۱۹۶۵ م.
 ۲. دانشگاه آنکارا، ۱۹۷۴ م.
 ۳. سخنرانی سالانه کتابخانه خدابخش شهر پتنا، هند.
 ۴. دانشگاه هندوی بنارس، ۱۹۷۷ م.
 ۵. سخنرانی اسحاق میموریل، ۱۹۷۹ م.
 ۶. سخنرانی دانشگاه وشو بهارتی، ۱۹۷۹ م.
 ۷. دانشگاه کراچی، ۱۹۸۲ م.
 ۸. دانشگاه بوپال، ۱۹۸۳ م.
 ۹. دانشگاه گجرات، ۱۹۸۳ م.
 ۱۰. دانشگاه کلکته، ۱۹۸۴ م.
 ۱۱. دانشگاه ام.اس.، ۱۹۸۴ م.
 ۱۲. دانشگاه پتنه، ۱۹۸۴ م.
 ۱۳. دانشگاه اس.وی.، ۱۹۸۴ م.
- علاوه بر این وی در سمینارها و کنفرانسهای مختلفی شرکت نمود که فهرست آنها در این مختصر نمی‌گنجد. وی در پروژه ترجمه انگلیسی اعجاز خسروی امیر خسرو شرکت کرد که بعداً در آمریکا در دو جلد منتشر شد.
- در سال ۱۹۷۲ م جایزه «سیرتفیکت آف آنر» و جایزه «پدم شری» را از دست رئیس جمهوری هند دریافت نمود.

در سال ۱۹۷۵ م حکومت دهلی جایزه «ساختیه کلاپریشد» را به‌وی اهدا نمود.
 در سال ۱۹۷۸ م انستیتوی غالب جایزه «فخرالدین علی احمد» را برای کارهای
 نمایان در نقد و تحقیق فارسی به‌وی اهدا کرد.
 جایزه «غالب فخرالدین علی احمد»، ۱۹۸۰ م.
 جایزه «اردو آکادمی اترپرادش»، ۱۹۸۵ م.
 جایزه «میر» از آکادمی میر.
 جایزه «اردو آکادمی» دهلی، ۱۹۸۵ م.
 جایزه «استاد ممتاز زبان فارسی» از انجمن استادان فارسی هند، ۱۹۸۱ م.
 «لوح تقدیر» از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ ه.ش.
 خانه فرهنگ ج.ا.ا. «نشان زرین»، ۲۰۰۵ م.
 خانه فرهنگ ج.ا.ا.، جایزه «سعدی»، ۲۰۰۶ م.
 جایزه «خدابخش» از کتابخانه خدابخش پتنه، ۱۹۹۹ م.
 جایزه از طرف کتابخانه رامپور، ۲۰۱۰ م.
 به‌طور مختصر می‌توان گفت که استاد عابدی شخصیتی بی‌نظیر و به‌یاد ماندنی بود.
 استاد عابدی ستاره پرنور آسمان علم در چهارم ماه می سال ۲۰۱۱ م از این دنیا رخت
 بربست. وی اگرچه به‌ظاهر در میان ما نیست ولی به‌وسیله تألیفات و نوشته‌های خود
 همیشه زنده خواهد بود. هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به‌عشق...